

## نشانه‌های برهم‌کنش فرهنگی میان ایران و روم در ظروف سیمین دوره ساسانی

سیدمهدی موسوی کوهپر<sup>1\*</sup>، سجاد نوید<sup>2</sup>، جواد نیستانی<sup>3</sup>

(تاریخ دریافت: 91/4/4، تاریخ پذیرش: 92/9/12)

### چکیده

با توجه به موقعیت جغرافیایی ایران به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب، این منطقه از دوره باستان همواره در تبادلات فرهنگی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ به‌گونه‌ای که گروه‌های اجتماعی زیادی با قوم‌ها و فرهنگ‌های گوناگون از این منطقه عبور کرده یا در آن ساکن شده‌اند؛ در نتیجه برهم‌کنش فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در میان آنان را در گذر تاریخ شاهدیم. یکی از مهم‌ترین بخش‌های مراودات فرهنگی شرق و غرب به روابط ایرانیان با یونانیان و رومیان در دوران تاریخی مربوط می‌شود که در مدت زمانی طولانی با هم در ارتباط بوده و از عناصر فرهنگی یکدیگر متأثر شده و در از آن‌ها در هنر بومی خود استفاده کرده‌اند. در این مقاله، با بهره‌گیری از روش نشانه‌شناسی، به تحلیل موتیف «تیشتر» و «پگاسوس» به‌عنوان دو شخصیت اسطوره‌ای در فرهنگ ایران و یونان بر روی دو ظرف سیمین ساسانی می‌پردازیم.

واژه‌های کلیدی: اسطوره، ایران، پگاسوس، تیشتر، ساسانی.

\*m\_mousavi@modares.ac.ir

1. استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

2. دانش‌آموخته باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

3. استادیار باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

## 1. مقدمه

اسطوره کلمه‌ای معرب است که از واژه یونانی *historia* به معنای جست‌وجو، آگاهی و داستان گرفته شده است (آموزگار، 1381: 3). در زبان روزمره، اسطوره به معنای خیالی و غیرواقعی به کار می‌رود و این مفهوم اسطوره در فرهنگ انگلیسی آکسفورد ذکر شده که در آن، معنای این واژه با کلمات «روایتی که جنبه افسانه‌ای محض دارد»، آغاز شده است (هینلز، 1382: 24). «اسطوره بینشی شهودی است، بینش جوامع ابتدایی و تفسیر آن‌ها از جهان به گونه اسطوره جلوه‌گر می‌شده است. باورهای دینی انسان نخستین از اسطوره‌ها آغاز می‌گردد و بعدها در زمان‌های متاخر به گونه ادیان شکل می‌گیرد.» (اسماعیل پور، 1377: 14). اسطوره دین و دانش انسان نخستین و داشته‌های معنوی اوست که بونی دینی و فلسفی دارد؛ فلسفی نه به معنای امروزی‌اش؛ بلکه فقط استدلالی تمثیلی از پیرامون جهان (همان‌جا).

اسطوره را باید داستان و سرگذشت (مینوی) دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به صورت فراسویی که دست‌کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد (آموزگار، 1381: 3).

اسطوره‌شناسی می‌تواند به شناخت و درک فرهنگ ملل مختلف و شناخت مشترکات فرهنگی و مذهبی اقوام مختلف بسیار کمک کند.

شواهد تاریخی و باستان‌شناختی حکایت از روابط و تأثیر متقابل فرهنگی، هنری و اجتماعی فراوانی میان ایران، یونان و روم دارد. مطالعات تطبیقی شخصیت‌های اسطوره‌ای ایران و روم بیانگر وجود اشتراکات فراوانی در خصوصیات و عملکرد آن‌هاست که از جمله آن‌ها می‌توان به شخصیت گرشاسپ و هراکلس اشاره کرد (پورخالقی و طبسی، 1390: 35-55). نشانه‌های این اشتراکات در نمونه‌های مختلف آثار هنری و معماری و تزیینات وابسته به آن‌ها مشاهده می‌شود. از نمونه‌های شاخص که به‌طور شفاف این مراودات را به تصویر می‌کشد، ظروف زرین و سیمین دوره ساسانی است که علاوه بر تمام ویژگی‌های هنری و تاریخی، اطلاعات ارزشمندی را در زمینه تأثیر و تأثرات فرهنگی جوامع پیش‌گفته در اختیار می‌گذارد

نشانه‌های برهم‌کنش فرهنگی میان ایران و ... \_\_\_\_\_ سیدمهدی موسوی کوهپر و همکاران

(Mousavi Kouhpar & Taylor, 2008). از همین منظر، در مقاله حاضر می‌کوشیم با بررسی دو شخصیت اسطوره‌ای از دو فرهنگ مختلف روم و ساسانی - که روی دو ظرف سیمین این دوره تجلی یافته‌اند - به برهم‌کنش فرهنگی میان آنان بپردازیم. برای پرهیز از تکرار و سهولت در کار، ظروف مذکور را با عنوان ظرف شماره یک و ظرف شماره دو نام‌گذاری کرده‌ایم.

## 2. معرفی ظرف شماره یک

این ظرف (شکل 1) از گونه بشقاب‌های مدوری است که در دوران ساسانی نمونه‌های زیادی از آن‌ها دیده شده و از شکل‌های رایج و محبوب این دوره به‌شمار می‌آید. جنس آن از نقره زرانود است، در سده چهارم یا پنجم میلادی هم‌زمان با سلسله ساسانی در ایران ساخته شده و هم‌اکنون در موزه هنری متروپولیتن نگهداری می‌شود (Ettinghausen, 1972: 11). «ظرف مذکور از زمان اولین انتشار به‌عنوان بشقاب دوقلوهای افسانه‌ای معروف شده است. در این ظرف دو جوان برهنه در کنار اسب‌هایشان، که در حال نوشیدن آب از چشمه هستند (در حقیقت کوزه نماد چشمه است) ایستاده‌اند.» (Ibid). در این تصویر، اسب‌ها روی دو قطعه مستطیل شکل که نماد زمین است، قرار گرفته و به صورت بالدار نمایش داده شده‌اند. شخصی نیز کوزه‌ای را که نماد چشمه آب است، بالای سر خود نگه داشته و دو جوان نیز در دست راست خود عصا یا نیزه‌ای را نگه داشته‌اند. در این ظرف، موهای این دو جوان برهنه به صورت مجعد تصویر شده است که تأثیر سبک رومی را نشان می‌دهد.

## 3. معرفی ظرف شماره دو

در ساخت این ظرف (شکل 2)، مانند نمونه پیشین، از شکل بشقاب‌های مدور استفاده شده است. جنس آن از نقره، و دومین ظرف ساسانی با همان مضمون اصلی است که در موزه

متروپولیتن نگهداری می‌شود (Ibid). «در این بشقاب، اسب‌های بالدار با بال‌های گشوده در حال نوشیدن نشان داده شده‌اند در حالی که پیکر دو جوان حذف شده است.» (Ibid). این اسب‌ها برخلاف نمونه قبلی، روی دریا نقش شده‌اند و چنان‌که ملاحظه می‌شود، علاوه‌بر جوانان، نوازنده کوچک و شخصی که نماد چشمه بوده، حذف شده و به‌جای آن‌ها گیاهی که بسیار شبیه به درخت است، در وسط دریا روییده است. حد فاصل بین نگاره و لبه طرف نیز با نقش‌های گیاهی تزیین شده است.

#### 4. پگاسوس

پگاسوس یا همان اسب بالدار یکی از شخصیت‌های معروف اساطیر یونان است که داستان‌های آن همراه با بلروفون محبوبیت زیادی داشته و تصاویرش در آثار هنری بسیاری به نمایش درآمده است. در اساطیر یونان، پگاسوس زاده مدوسا و پوزیدون است. او زمانی که سر مدوسا به وسیله قهرمانی به نام پرسئوس بریده شد، از بدن او به‌وجود آمد (Luke & Monica, 2010: 388-389). «گاهی گفته می‌شود که اسب در هنگام مرگ مدوسا از خون او بیرون جهیده است.» (Hall, 1996: 31). چون مدوسا از پوزیدون باردار بود، می‌توان گفت اسب مرهون خدایان بوده؛ در نتیجه بلروفون، یکی از قهرمانان یونان، آرزو داشت پگاسوس را رام کند (Grant & Hazel, 2002). با توجه به اساطیر یونانی، «آتنا به بلروفون افساری جادویی داد تا به وسیله آن پگاسوس را زمانی که از چشمه آب می‌نوشید اسیر کند.» (Luke & Monica, 2010: 389). پگاسوس با پاهایی فراخ همراه با بلروفون با آمازونیان جنگید و آن‌ها را شکست داد (Ibid). همچنین، آن‌ها موفق شدند بر هیولایی به نام کیمری پیروز شوند (Daly, 2009: 111). بنابر اساطیر، چشمه هیپوکرنه در هلیکون که کوه ویژه موزها بوده و بسیار مورد علاقه شاعران است، از همان جایی فوران کرده که آن اسب سم بر زمین کوبیده است (همیلتون، 1376: 181).

## 5. دیوسکور

دیوسکورها نیز از شخصیت‌های اساطیری یونان هستند که عملیات‌های بزرگی به نام آنان ثبت شده است و حتی یکی از صورت‌های فلکی را به آن‌ها نسبت می‌دهند. دیوسکورها نامی است که به کاستور و پولوکوس داده شده است. در اساطیر آمده که آن‌ها هرگز از هم جدا نشده و در تمام عملیات‌های بزرگ افسانه‌ای در کنار یکدیگر بوده‌اند (اسمیت، 1384: 218-219). پولوکس و کاستور پسران دوقلوی لدا و زئوس یا تیندارئوس شاه اسپارت هستند. روایت‌ها دربارهٔ نسب و نامیرا بودن این قهرمانان اسپارتی مشکوک است. این دو همیشه به شکار، بوکس، کشتی و قایقرانی مشغول بودند. لیدا، همسر تیندارئوس شاه اسپارت که به قو تبدیل شده بود، از زئوس باردار شد. او تخم گذاشت که از یکی از آن‌ها پولوکس و کاستور و از دیگری خواهرانشان هلن و کلیتامنسترا به دنیا آمدند. بعضی منابع ادعا می‌کنند که فقط پولوکس پسر زئوس بوده و نامیرایی را از زئوس به ارث برد؛ اما پدر کاستور تیندارئوس بود؛ در نتیجه او فانی بود. هنگامی که کاستور مُرد، زئوس به درخواست پولوکس به آن نامیرایی داد. در آخر، این دو در بهشت جای گرفتند و به صورت فلکی دوپیکر تبدیل شدند (Luke & Monica, 2010: 139). آن‌ها سوارکاران ماهری بودند و در تصاویر همیشه سوار بر اسب سپید نشان داده شده‌اند. اما هومر کاستور را سوارکاری ماهرتر از پولوکس دانسته است (همیلتون، 1376: 54).

## 6. تیشتر

تیشتر یکی از ایزدان مهم دین زرتشت است؛ به گونه‌ای که یشت هشتم اوستا معمولاً به تیریشتم معروف است. تیشتر در اوستا به صورت تیشتریه آمده، در پهلوی تیشتر و در فارسی تیشتر می‌گوییم. تیشترینی اسم‌جمعی برای ستارگان است که در نزدیک تیشتر هستند و او را همراهی می‌کنند (پوردادوود، 1377: 324). در گات‌ها اسمی از تیشتر نیست؛ ولی در سایر قسمت‌های اوستا اغلب به آن برمی‌خوریم. تیشتر همیشه در ردیف دیگر فرشتگان و ایزدان مانند مهر، آذر، آبان، امشاسپندان، فرّ آریایی و ... می‌آید (همان، 325-326).

«تیشتر ایزد باران است که به صورت شعرای یمانی یا کلب اکبر تجسم می‌یابد و نزد اروپاییان سیروس نامیده می‌شود.» (مقامی، 1382). در بندهش آمده است:

بس بی‌شمار ستاره نام‌بردار، برای هم‌زوری و نیرودهنگی به آن اختران به‌سوی سوی و جای جای گمارده شد. چنین گویند که تیشتر سپاهد شرق، سدویس سپاه نیمروز، و نند سپاهد غرب، هفتورنگ سپاهد شمال، (تیشتر) را میخگاه میان آسمانش خواند، سپاهبدان سپاهد. آتش و ازشت، باد و ابر همکار و یاور تیشتر سپاهد شرق‌اند (فرنیغ‌دادگی، 1369: 44).

او کسی است که فرزند اعطا می‌کند، جادوگران را درهم می‌شکند و سرور همه ستارگان و حامی سرزمین‌های آریایی است (هینلز، 1379: 38). «تیشتر به‌یاری مینوی خرد و با همکاری ایزد باد، آب را به بالا می‌راند و به یاری ایزد برز (پام نیات) و فروهر نیکان و به‌یاری ایزد هوم و بهمن امشاسپند به نبرد دیو خشکسالی می‌رود.» (آموزگار، 1381: 24). با توجه به متون تیریشث درمی‌یابیم این ایزد در شکل‌های مختلفی تجلی پیدا کرده که یکی از آن‌ها به‌صورت اسبی سفید و زرین‌گوش است.

در ده شب سوم ای اسپنتمان زرتشت تیشتر رایومند فرمند ترکیب جسمانی پذیرد به‌شکل یک اسب سفید زیبا با گوش‌های زرین و لگام زرنشان در فروغ پرواز کند [...] آن‌گاه ای اسپنتمان زرتشت تیشتر رایومند فرمند به پیکر اسب سفید زیبایی با گوش‌های زرین و لگام زرنشان به دریای فراخکرت فرودآید. به ضد او دیو اپوش به پیکر اسب سیاهی بدرآید. یک (اسب) کل با گوش‌های کل، یک (اسب) کل با گردن کل، یک (اسب) کل با دم کل، یک (اسب) گر مهیب [...] هر دو ای اسپنتمان زرتشت تیشتر و دیو اپوش بهم درآویزند هر دو ای اسپنتمان زرتشت در مدت سه شب و سه روز با همدیگر بجنگند (پورداوود، 1377: 349-351).

## 7. تحلیل نقش‌های ظرف شماره یک

با توجه به اسطوره پگاسوس و نقش‌های بشقاب شماره یک می‌توان گفت این ظرف به‌گونه‌ای اسطوره پگاسوس را بیان می‌کند و احتمالاً به‌دست هنرمندی غیرایرانی ساخته شده است. روح

نشانه‌های برهم‌کنش فرهنگی میان ایران و ... \_\_\_\_\_ سیدمهدی موسوی کوهپر و همکاران

سبک رومی در تصاویر این ظرف و به ویژه نقش دوقلوها کاملاً مشهود است. در اینجا ارتباط پگاسوس با چشمه آب نیز به روشنی دیده می‌شود. به نظر اتینگهاوزن: «این دو مدل، کاستور و پلوکس یعنی دیوسکوری‌ها هستند. همچنین نوازنده کوچکی که در میان بال اسب‌ها قرار گرفته، صرفاً می‌خواسته فضای بالای نقش را پر کند.» (11: 1972). همچنین، به‌باور او: «هنرمندان ایرانی این اسطوره را نمی‌شناختند و در آن افسار طلایی را به کار نبردند. دراصل جوان و اسب سمت راست یک نقش هستند و آن‌هایی که در طرف چپ قرار گرفته‌اند، آن را قرینه می‌کنند که ماهیت اصلی موتیف‌های ساسانی است.» (Ibid). هارپر (129: 1379) نیز اعتقاد دارد این تصاویر شخصیت‌های کاستور و پلوکس را نشان می‌دهند و شخصی که کوزه را بالای سر نگه داشته، پری، صاحب چشمه جوتورناست. اکنون پرسش اینجاست که چرا نقش اسب بالدار در هنر ساسانی حفظ شده؛ ولی نقش جوانان برهنه دیگر استفاده نشده است. اتینگهاوزن دلایلی را برای حذف جوانان مطرح می‌کند که عبارت‌اند از:

یک ایرانی احتمالاً فکر می‌کرد جوانانی که اسب‌ها را نگه داشته‌اند، ملازمان پادشاه بوده‌اند و به این دلیل این ملازمان در نقش برجسته‌های ساسانی دیده می‌شوند و در آنان به یک نماد ثابت تبدیل شدند. ولی ملازمان شخصی دارای مقام پایینی بودند و می‌توانستند در نقش‌ها به آن‌ها توجهی نکنند. به‌علاوه، این اشکال مردان برهنه جذابیت و زیبایی در ایران نداشتند و حتی از نظر قوانین قابل قبول نبودند (Ettinghausen, 1972: 15-16).

اگرچه دلایل اتینگهاوزن درباره حذف دوقلوهای موجود بر ظرف شماره یک در صحنه نقش بسته در ظرف شماره دو تا حد زیادی مورد قبول است؛ نکته مهمی که باید به آن توجه شود این است که ظرف شماره یک به‌لحاظ شکل ظاهری، دقیقاً اسطوره پگاسوس را تداعی می‌کند و نگارندگان بر این باورند که بعید است در کارگاه‌های ساسانی یا توسط هنرمندان این دوره ساخته شده باشد. فرض نزدیک این است که مانند دیگر ظروف با موتیف‌های یونانی و رومی - که توسط هنرمندان رومی ساخته شده و بر اثر مراودات تجاری یا غنایم جنگی به‌دست ساسانیان رسیده است - این ظرف نیز به‌احتمال زیاد توسط هنرمندان غیرساسانی ساخته شده است. براساس این، هنرمند ساسانی به‌طور هوشمندانه، با مقایسه تطبیقی و عملکردی شخصیت پگاسوس و تیشتر، ضمن حذف عناصری که در فرهنگ ایرانی پذیرش لازم را برای

نمایش نداشته‌اند، از طرح کلی ظرف شماره یک به‌عنوان پیش‌طرح برای تصویر شخصیت تیشتر بهره گرفته و ظرف شماره دو را که مطابق با باور و فرهنگ ساسانی است، تولید کرده است.

### 8. تحلیل نقش‌های ظرف شماره دو

نقش‌های بشقاب شماره دو اسطوره مبارزه میان تیشتر و دیو اپوش را نشان می‌دهد. زمانی که تیشتر برای برداشتن آب به کنار دریای فراخکرت می‌رود، دیو خشکسالی در جلوی او ظاهر می‌شود و نبردی بین آن‌ها درمی‌گیرد. شخصیت‌های اضافی مانند دوقلوها، نوازنده و کوزه آب از نقش‌های این ظرف حذف شده و به جای آن درختی در وسط دریایی نقش شده که نشان می‌دهد هنرمند قصد داشته است چشم‌انداز دریای فراخکرت را بازسازی کند. در هر مزدیشت آمده است: «فروهر این مرد پاک را که موسوم است به اسموخاونوت می‌ستاییم پس از آن می‌خواهم که مثل مرد معتقدی (فروهرهای) سایر پاکدینان را بستاییم (فروهر) گئوکرنه توانا و مزدا آفریده را می‌ستاییم.» (پورداوود، 1377: 65). به‌روایت بندهش، این درخت گوکرن نام دارد و در میان دریای فراخکرت قرار گرفته است. همچنین، از آن با نام هوم سپید یاد شده که در کنار چشمه اردویسور رسته است و هر که از آن بخورد، بی‌مرگ می‌شود (فربغ‌دادگی، 1369: 87).

ایزد تیشتر به سه گونه: مرد پانزده‌ساله، گاو زرین‌شاخ و اسب زرین‌گوش تجلی پیدا کرده است (آموزگار، 1381: 25). از جلوه‌های ظهور تیشتر در متون پهلوی، فقط مبارزه او با دیو اپوش به‌تفصیل بیان شده و به حالات دیگر آن اشاره‌ای کوتاه شده است. در این مبارزه، ایزد تیشتر و دیو اپوش هر دو در قالب اسب؛ ولی با تفاوت رنگ ظاهر می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که تضاد خیر و شر - که از اصول مذهبی این دوره به‌شمار می‌رود - به‌خوبی در آن نمایان است. این مبارزه در کنار دریای فراخکرت انجام گرفته است و چنان‌که اشاره شد، درخت گوکرن نماد مهمی برای شناسایی دریای فراخکرت است. در نتیجه، دلایل پذیرفتنی‌ای در چرایی حذف نقش‌های جوانان، کوزه و نوازنده کوچک در ظرف شماره یک و جایگزینی آن‌ها با تصویر درختی در ظرف شماره دو وجود دارد. از سوی دیگر، اسبانی که در ظرف شماره یک روی



نشانه‌های برهم‌کنش فرهنگی میان ایران و ... \_\_\_\_\_ سیدمهدی موسوی کوهپر و همکاران

زمین قرار گرفته بودند، در ظرف شماره دو کاملاً در سطح آب به تصویر درآمدند. برمبنای این تفسیرها، ظرف شماره دو کاملاً مبارزه تیشتر و دیو اپوش در کنار دریای فراخکرت را نمایش می‌دهد. بنابراین، می‌توان اسب‌های نقش شده در ظرف شماره دو را به ایزد تیشتر و دیو اپوش نسبت داد. بنابر آنچه گفته شد، این تصویرسازی، برخلاف نظریه اتینگهاوزن، با ناشناخته بودن اسطوره پگاسوس یا دیوسکوری‌ها نزد هنرمند ایرانی ارتباطی ندارد.

بررسی این دو نمونه بیانگر آن است که استفاده از مضامین و عناصر آیینی و اسطوره‌ای یونان و روم در آثار هنری ساسانیان امری پذیرفته شده بوده است و هنرمندان ساسانی بارها از این مضامین بهره گرفته‌اند. این تأثیرپذیری در بسیاری از آثار دوره ساسانی دیده می‌شود. اما نکته مهم در این بررسی‌ها، شیوه صحیح مطالعه این نوع تعاملات فرهنگی در دنیای باستان است. مطالعات پیشین درباره عناصر و موضوعات غیرایرانی موجود در ظروف زرین و سیمین ساسانی - که پژوهشگران غربی انجام داده‌اند - بدون توجه به علل پیدایی عناصر بیگانه در هنر ساسانی، این امر را تقلید صرف هنرمند ساسانی از هنر یونان قلمداد می‌کرد ( Mousavi Kouhpar & Taylor, 2008). چنان‌که پیشتر اشاره شد، اتینگهاوزن هم در مطالعه ظرف شماره یک همین سنت را درپیش گرفت. مطالعات اخیر درباره وجود عناصر بیگانه در هنر ساسانی ضمن تأیید اینکه هنر ساسانی مانند هنر دیگر ملل ناچار از تعامل با فرهنگ‌های همجوار برای ادامه حیات خود بوده است، بر این نکته تأکید دارد که هنرمند ساسانی در استفاده از مضامین آیینی و اسطوره‌ای دیگر ملت‌ها، همواره روشی هوشمندانه و انتخابی آگاهانه داشته است. به عبارت دیگر، هنرمندان آن دوره با آگاهی و اشرافی که به جایگاه و کارکرد شخصیت‌های دینی و اسطوره‌ای خود داشته‌اند، می‌کوشیدند نمونه‌های تصویر شده از شخصیت‌های متناظر را در هنر دیگر ملل جست‌وجو کنند و آن‌ها را به‌عنوان الگو و پیش‌طرحی برای به‌تصویر کشیدن شخصیت‌های مورد نظرشان به‌کار گیرند ( Mousavi Kouhpar, 2004). نمونه عینی این الگوبرداری را می‌توان در سه ظرف سیمین دوره ساسانی مشاهده کرد که به‌نادرست، به موتیف‌های دایناسوس معروف شده‌اند؛ در این ظرف‌ها، هنرمند ساسانی توانسته است با دقت و هوشمندی، از یک موتیف کاملاً یونانی به‌عنوان الگو برای به تصویر کشیدن شخصیت مورد نظر خود (ناهیتا) بهره گیرد ( Mousavi Kouhpar &

(Taylor, 2008). در واقع، می‌توان گفت هنرمند ساسانی در ساخت ظروف مورد مطالعه در این مقاله نیز دقیقاً از همان شیوه موتیف‌های دایناسوس استفاده کرده است.

## 9. نتیجه

شواهد تاریخی و باستان‌شناسی موجود بیانگر آن است که مراودات فرهنگی میان ایران و یونان - دو قدرت برتر دنیای باستان - امری گریزناپذیر و به‌رغم فرازوفرودهای موجود، پیوسته برقرار بوده است. در دوران استیلای سلوکیان، نفوذ عناصر هنری بیگانه در هنر ایران دوچندان شد که در آثار هنری پارتیان و تاحدودی ساسانیان دیده می‌شود؛ به‌گونه‌ای که حتی کتیبه اردشیر یکم در نقش‌برجسته نقش رستم و کتیبه شاهپور یکم در کعبه زرتشت به‌صورت سه‌زبانه - که یکی از آن‌ها یونانی است - نگاشته شده‌اند. در دوران اشکانی، در روندی تدریجی، آثار هنری با رویکردی بومی تولید شد. در دوران ساسانی، این حرکت با شتاب بیشتری ادامه یافت. در همین روند، مشاهده می‌شود که بومی‌سازی عناصر هنری بیگانه و استفاده از آن‌ها به‌عنوان نمونه‌های پیش‌طرح برای به‌تصویر کشیدن شخصیت‌های اسطوره‌ای بومی مورد نظر با دقت و مهارت لازم به اجرا درآمده است.

مقایسه نقش‌های این دو ظرف نشان می‌دهد هنرمند ساسانی در آثار خود کورکورانه از نمونه‌های دیگر تقلید نکرده و با توجه به شناختش از فرهنگ و اساطیر بومی، از مضامینی بهره گرفته است که با تصویر ذهنی هنرمند از شخصیت مورد نظر و فرهنگ ایرانی بیشترین قرابت را داشته باشد. همان‌گونه که در این دو نمونه نیز دیده می‌شود، پگاسوس به‌دلیل همانندی‌های عملکردی و فیزیکی زیادی با ایزد تیشتر، مورد استفاده قرار گرفته و در قالب ایزد ایرانی تجلی یافته است؛ از این‌رو در اثر نهایی که به‌دست هنرمند ساسانی ساخته شده، هیچ نشانی از شخصیت پگاسوس یونانی دیده نمی‌شود.

نشانه‌های برهم‌کنش فرهنگی میان ایران و ... سیدمهدی موسوی کوهپر و همکاران



شکل 1 ظرف شماره یک

(هارپر، 1377)



شکل 2 ظرف شماره دو

(Ettinghausen, 1972)

### منابع

- آموزگار، ژاله (1381). *تاریخ اساطیری ایران*. ج 5. تهران: سمت.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم (1377). *اسطوره بیان نمادین*. تهران: سروش.
- اسمیت، ژوئل (1384). *فرهنگ اساطیر ایران و روم*. ترجمه شهلا برادران خسروشاهی. تهران: نشر روزبهان.

نشانه‌های برهم‌کنش فرهنگی میان ایران و ... \_\_\_\_\_ سیدمهدی موسوی کوهپار و همکاران

- پورداوود، ابراهیم (1377). *یشتها*. ج 1. تهران: اساطیر.
- پورخالقی چترودی، مه دخت و حمید طبسی (1390). «گرشاسپ و هراکلس (بختی در اسطوره‌شناسی تطبیقی)». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. س 5. ش 16. صص 35-55.
- فرنیغ‌دادگی (1369). *بندهش*. محمدجواد مشکور. تهران: دنیای کتاب.
- مقامی، نسرین (1382). «تیشتر خدای باران، پیک خدایان». *کتاب ماه هنر*. ش 57 و 58. صص 136-138.
- هارپر، پرودنس (1377). *سیمینه‌های درباری ساسانیان، اوج‌های درخشان هنر ایران*. ترجمه ریچارد اتینگهازن و احسان یارشاطر، هرمز عبداللهی و رویین پاکباز. تهران: آگاه.
- همیلتون، ادیت (1376). *سیری در اساطیر یونان و رم*. تهران: اساطیر.
- هینلز، جان (1382). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه آموزگار و تفضلی. ج 8. تهران: نشر چشمه.
- Daly, K.N. (2009). *Greek and Roman Mythology A to Z*. Chelsea house.
- Ettinghausen, R. (1972). *From Byzantium to Sasanian Iran and the Islamic World*. Leiden E.J. Brill.
- Grant, M. & J. Hazel (2002). *Who's Who in Classical Mythology*. Rutledge.
- Hall, J. (1996). *Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western*, Westview.
- Luke, R. & Monica (2010). *Greek and Mythology*. Facts on File.
- Mousavi Kouhpar, S.M. (2004). *Sasanian Figural Silverwork: Imitation, Innovation and the Transformation of Meaning*. Ph.d Thesis. Department of Archaeological Sciences. Bradford University.
- Mousavi Kouhpar, S.M. & T. Taylor (2008). "The Triumph of Dionysus? A Metamorphosis in Sasanian Silverwork" in *Proceeding of International Conference of Current Research on Sasanian Archaeology and History*, Bar International Series, Oxford.